

سلیمان لایق

## شناخت فشره لندی

من در همایش امروزی، کار خود را به عرصه لندی های پشتو اختصاص داده ام. فلذا بحث در شناسایی کلی فلکلور افغانی را که مشتمل بر عرصه وسیع یائر زبانهای ملی و جوانب مختلف فلکلور افغانی میگردد، در اینجا مطرح نمی کنم. در زمینه شناخت لندی من ترجیحاً سه شاخص را برگزیده ام:

نخست از نظر فورم لندی شعر فلکلور است و شعر فلکلوری آن ساحه پهناور از احساس و شیفتگی بی پایان است که توسط صد ها هزار انسان پایه گذاری شده است، از نخستین بوسه ها، عشق ها، خنده ها و شادی ها و از آغازین سرشکها، اندوه ها و دردها.

«لندی» تک بیت های شفاهی پشتوست که در قالب آواها و آهنگهای گوناگون از باستان تا زمان ما رسیده است. و پشتون ها بدان لندی، تیکی، مسری، تپه، آواز، بدله، سنדרه و غیره نام داده اند. کلیه لندی ها با قافیه همسان (ه) و (نه) یعنی میم معه هاء غیر ملفوظ و نون معه هاء غیر ملفوظ آخر میشود و از دو نیم بییتی نا برابر نه هجایی و سیزده هجایی تشکیل شده است و تعداد آن از صد هزار تجاوز میکند. هیچ پشتونی وجود ندارد که چند تایی از لندی را به خاطر نداشته باشد.

در تک بیت های فلکلوری ملل آسیای جنوبی و مرکزی تنها تک بیت های فلکلوری پنجابی به نام « ماهیا » به « لندی » شباهت نزدیک دارد. اما به هیچ صورت لطافت و سعت و غنای هنری لندی را ندارد. شاید شباعت میان لندی و ماهیا ریشه تاریخی داشته باشد و از جایی که پشتونها دقبائل شمال نیم قاره هندوستان اصالت آریایی دارند، از امکان دور نیست که این اشعار فلکلوری از فرهنگ واحد آریایی نشأت کرده و با گذشت زمان و انشعاب تاریخی زبانها به تفاوت کنونی رسیده باشند.

لندی از لحاظ شناخت و توصیف انسان و بیان عوالم درونی و بیکران او، و ستایش آنچه ما بنام زیبایی میشناسیم در ازج سروده های فلکلوری پشتو قرار دارد. لندی ها معمولاً به سه بخش زنانه، مردانه و بخش مشترک میان زن و مرد تصنیف میشوند. مطابق به پژوهش های من پنجاو دو در صد لندی ها اصالت زنانه دارند یعنی توسط زنان آفریده شده، به زندگی، پندارها، بیان احساسات، دلدادگی و اعتراض علیه مرد وقف شده است. اصناف فلکلور منظوم پشتو بخصوص « چغیان »<sup>(۱)</sup>، « ساندی »<sup>(۲)</sup> و لندی های زنانه به بیان و وسیع شرائط دشوار زندگی زن پرداخته از خشونت علیه او و بلند دستی و برتری ناروای مرد پرده برداشته است.

هیچ گونه از فلکلورهای افغانی چون لندی ها به قبول عامه و استفاده وسیع نرسیده است. بخصوص کرکتر تعمیمی آن موجب شده است که تمام طبقات و اقشار اجتماعی به آن روی آورند و در آفرینش آن

سهم پیردازند.

بسیاری از فلکلور شناسان افغان باور مندند که لندی افغانی بخش مهمی از ثروت ادبیات عامیانه بشریت است و میتوان با سر بلندی آن را به حیث فراورده تجربیات و ارثیه گرانبهای مردم ما به جهانیان ارائه کرد. یکی از خصوصیات عمده لندی فطرت آهنگین آنست که بدون تکلف در قالب دهها میلودی می نشیند و به هنرمندان موسیقی و آواز امکان میدهد تا میلودی های جدیدی از آن بیافرینند.

فرخ افندی موسیقی شناس ترکی مقیم افغانستان عقیده داشت که هیچ شعر و ترانه فلکلوری دقلمرو جغرافیایی ما از لحاظ پذیرش و پرورش آهنگ موسیقی، غنای تغزلی و زبان صادقانه و هیجان آفرین خود پرواز گاه بلند لندی را ندارد. وقتی برای نخستین بار با این خسوسیت لندی ها آشنا شدم و آنها را در مقایسه با داشته های مشابه ملل و اقوام دیگر قرار دادم باعث حیرت من گردید. لندی ها احساسات، عواطف، دردها، رنجها و پندارهای آدمی را از زندگی خیلی ظریفانه درجه بندی کرده و او را با تمام خوبی ها و خطاهایش به نمایش گذاشته است. سپس از نظر درونمایه تاریخی، لندی ها رشته های ظریفی اند که ما را تا عمق گذشته باستانی ما رهنمایی میکند.

با قبول اینکه فلکلور تیلوری از اساطیر و حکمت زندگی کمون های باستانی است که با حفظ جوهر خود از نخستین بامداد زایش به بعد از طیف های گوناگون و مختلف، استحاله و تکامل زبانها و لهجه ها گذشته و با آمیزه از کسوت مذاهب تا زمان ما رسیده است، در مورد

SPINTEA

فلکلور پشتو از جمله ژانر لندی به چنین تصویری میرسیم که این منظومه های کوتاه و آهنگین ارثیه است که قبائل کهن آریایی ساکن در اراضی میان رودهای اکسوس (جیحون) و اندس (سند) و باشندگان گندهارا به ارث گذاشته اند. اشتراک های فرهنگی میان آریایی های گندهارا و آریایی های شمال هندوستان و تداخل اصطلاحات زبانی سانسکریت و پشتو میرساند که جهت پژوهش و دریافت سرچشمه های نخستین بار های تاریخی - اجتماعی فلکلورهای افغانی از جمله لندی ها، یکی از اقدامات ضروری اینست که تاریخ کلتوری جوامع آریایی هند در مقایسه با تاریخ کلتوری افغانها مطالعه گردد. پروفیسور رام راهول استاد پوهنتون جواهر لعل نهرو عقیده دارد که تاریخ فرهنگ پشتون هارا نمیتوان بدون ورود در تاریخ آریایی های هند و تحقیق در سانسکریت شناسایی کرد.

پروفیسور صدیق اله رشتین مینگارد: «منطقه واقع میان اکسوس و اندس که از کشمیر و پامیر تا دریای هند پهناایی دارد سرزمین پیدایی، رشد و سکونت قبائل پربت (پکت) بوده است. برادران آریایی این قبائل دو سه هزار قبل با ایشان یکجا در همین سرزمین میزیستند. گاهی که آنان زیاد شدند عده ای در ماوراء اندس به سوی خاور و عده ای به سوی باختر کوچیدند و به سه شاخه تقسیم شدند یعنی به شاخه خاوری، شاخه باختری و شاخه مرکزی. زبان مشترک آنان نیز به سه زبان جداگانه انکشاف کرد. یعنی به سانسکریت در خاور، به اوستا در باختر و به پشتو در وسط.» به نظر این دانشمند، پشتو زبان آن آریایی های است که

SPINTEA

در سرودهای ریگوید به نام پینت (پکت) یاد شده اند. او در مورد شناسایی تاریخی لندی ها چنین ابراز عقیده میکند: «سرودهای نمایان سانسکریت آن است که در ویدهای چهارگانه ثبت شده است. سرود هایی که قبل بر آن گفته شده، سرودهایی را شامل میشود که اکنون در دسترس نیست. سرودهای پشتو نیز به دو بخش جدا میشود. سرودهای نوشته شده و سرودهای شفاهی. از آن جمله لندی های پشتو و عده ای دیگر، بخش (ادب شفاهی) پشتو محسوب شده از زمان های گذشته سینه به سینه تا زمان ما رسیده است.»<sup>(۳)</sup>

پروفیسور محمد نواز طاهر مدیر اکادمی پشتو در پوهنتون پشاور به این عقیده است که «لندی پشتو با گات های سانسکریت و اوستا که گونه ای از نیایش های منظوم میباشد، قرابت تاریخی دارد. او به حواله محققان دیگر مینویسد که گات های ریگویدا بالندی همانند است. از جایی که گات ها بالندی ها در یک محیط پرورش یافته اند دور نیست که زبان گات ها به آن پشتو باستانی شباهت داشته باشد که بیانان و گله بانان در آن لندی را میسرودند.»<sup>(۴)</sup>

به نظر من کار فلکلویستان افغانی در زمینه شناسایی، اصالت و قدامت آریایی لندی ها که روی آگاهی نه چندان عمیق و نه چندان مشخص بنیاد شده است، گره از کار تحقیق درین عرصه نمی گشاید. آنان درین راستا به مطالعه متن لندی ها که مهمترین و میسرترین وسیله راهیابی به هدف است توجه لازم را مبذول نکرده اند و به جای تحقیق و استنتاج علمی، احکام صادر کرده اند و گفتند که لندی ها با گات ها و

ریگویدار رابطه میرسانند و سر چشمه آن در سانسکریت و اوستا موجود است. این به آن معنی است که کار در تحقیق لندی ها تا کنون در استقامت درست آن قرار داده نشده است.

کوتاه ترین و سودمندترین راه شناسایی ریشه ها و رابطه های لندی، مطالعه و پژوهش در خود لندی است. وجود اصطلاحاتی از قبیل «ستی»<sup>(۵)</sup>، «ستنانه»<sup>(۶)</sup>، «گودر»<sup>(۷)</sup>، «نغری»<sup>(۸)</sup>، «سپیلنی»<sup>(۹)</sup>، «جرگه»<sup>(۱۰)</sup> پشتونواله و نهادها و اصطلاحات دیگر در لندی، پل های است که امکان میدهد از پهنای رودی که زمان، میان ما و اجداد باستانی ما کشیده است به آنسو عبور کنیم و در شناسایی سر چشمه های لندی از آن استفاده بریم.

بلاخره اینکه لندی عمده ترین الگوی جهان بینی پشتون است. در لندی ها جریان طولانی و تدریجی از خود سازی محقق طبیعی و بنابر تغییر فرهنگی و همزمان پندارهای منعکس است که مردم پشتون تاریخ خود را بدان گونه درک می کردند. لندی ها از وسایل اندیشه یی تعیین حدود زمانی هویت ملی پشتون هاست. لندی ها در شناسایی و بیان همه جانبه زندگی پشتون ها چنان پر مضمون است که اگر بالفرض مردم پشتون از دامن هستی زدوده شوند و لندی ها باقی باشد، بر اساس لندها میتوان سیمای دقیق مردم پشتون را ترسیم کرد. لندی ها چه در ریگزار های نیمروز، چه وادی آفتابی بت های بامیان، چه در سایبان های جنگلات پکتیا و چه در کرانه های رود جیحون به دنیا آمده باشد. زمینه های مشابه: عشق، فرقت، غربت، مرگ و حماسه را دنبال میکند:

SPINTEA

په زره می آورد گر گوبل دی

داوسیلو پر خای سکر و تپ تو یوینه

در قلبم آتش بزرگ شعله وراست

بجای نفس اخگر افروخته برون می دهد

غمونه غرونه شوو درانه شوو

پر ما را غلی دبیلتون درانه غمونه

غمها چون کوها گرانبار شدند

من در گیر غم های گرانبار جادیی شده ام

اوس که را درومی وخت تپرشوی

په تورو خنومی خواره شوو سپین گلونه

اکنون اگر بر میگردی وخت سپری شده است

بر زلف های سیاهم گل های سفید شگفته است

SPINTA

- ۱- چغیان: سرودهای غم‌انگیزی است که عروسان جوان آن را در روز عروسی قبل از انتقال به خانه شوهر با فغان و سرشک و آواز بلند میسرایند و بر جدایی از خانه و دودمان پدری اعتراض میکنند. (پروفیسور سیال کاکرانگی. Pashto Abadi Boerd. (Quetta No 2, September 1987
- ۲- ساندهې: مفرد آن سانده به معنی سرود سوگ است که از سوی زنان بر مردگان خصوصاً کشته شدگان به آواز بلند در آهنگ معین باستانی سروده میشوند و به معنی عام تریه باشد.
- ۳- م. ا. الفنستن: گزارش شلهی کابل، ترجمه محمد آصف فکرت، «افغانان جای فرهنگ و نژاد» ۱۹۹۷، مشهد، ص ۱۸۵.
- ۴- شتو سندی: ص (الف-ب) طبع سال ۱۳۳۴ هـ ش کابل
- ۵- سلمی، شاهین، روهی سندی، ص ۲۲-۲۴
- ۶- ستانه: مرد صتخب خوارق را گویند که در سرنوشت مردم اثر گذارد
- ۷- گودر: آبخور... معیادگاه دلدادگان، مراجعه شود به مقاله نویسنده، جریده زیری، شماره ۴۷، ۱۱۲۷ ر ۱۳۵۵ هـ ش.
- ۸- نغری: آتشدان، اجاق، علامت عزت و شرف. مراجعه شود به مقاله نویسنده، جریده زیری شماره ۱، ۱۳۵۶ ر ۱۳۳۳.
- ۹- سپیلنی: سپند، مراجعه شود به ص ۱۹-۲۰ رساله نویسنده «مختصری در باره قبائل پشتون» منتشره مرکز علوم اجتماعی اکادمی علوم افغانستان طبع سال ۱۳۵۶ هـ ش، مطبعه دولتی کابل.
- ۱۰- جرگه: شورای قبایلی.